

## رابطه بین میزان تماشای برنامه‌های تلویزیونی و استفاده از منابع اطلاعاتی غیردرسی

سید عباس رضوی<sup>۱</sup>

مجید جعفری زاده<sup>۲</sup>

دکتر داریوش نوروزی<sup>۳</sup>

### چکیده

این پژوهش به منظور بررسی رابطه موجود بین تماشای تلویزیون و استفاده از منابع اطلاعاتی غیر درسی مانند کتاب، روزنامه و مجله انجام شده است. بدین منظور، از میان کلیه دانش‌آموزان مدارس راهنمایی پسرانه شهر کرمان ( $N=18760$ ) تعداد 600 دانش‌آموز با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای، محقق ساخته بود که روایی آن با استفاده از نظر 7 تن از متخصصان موضوع تعیین گردید. به منظور بررسی پایایی ابزار جمع‌آوری داده‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شد و پایا بودن آن مورد تأیید قرار گرفت ( $\alpha=0.72$ ). داده‌های به دست آمده با استفاده از روشهای توصیفی آماری مانند میانگین و درصد و نیز روش آماری استنباطی خی دو (مجذور کای) تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه کتابهای غیردرسی و مطالعه روزنامه رابطه‌ای معنادار وجود ندارد، ولی در مورد میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه مجله، رابطه معناداری مشاهده شد؛ بدین ترتیب که با افزایش میزان تماشای تلویزیون توسط دانش‌آموزان میزان مطالعه مجله توسط آنان کاهش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: منابع اطلاعاتی، تماشای تلویزیون، کتاب غیردرسی، روزنامه، مجله

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

۲. کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

### مقدمه

در عصر حاضر که آن را عصر اطلاعات می‌دانند، بهره‌گیری از منابع گوناگون اطلاعاتی به عنوان منابع مختلف تغذیه بشر مورد توجه قرار گرفته است. جوامع اطلاعاتی برای آن که شهروندانی فرهیخته و باسواد داشته باشند، باید از طرق مختلف اطلاعات مناسب و لازم برای آنان را در اختیارشان قرار دهند. این امر سبب می‌شود افراد در ابعاد گوناگون رشد یابند و علاوه بر داشتن تخصصهای مورد نیاز جامعه، از بینش و دانشی که برای هر شهروند و برای گذران یک زندگی متفکرانه لازم است، برخوردار شوند.

مدارس به عنوان یکی از نهادهای رسمی که متولی آموزش و پرورش افراد جامعه هستند، تمام هم و غم خود را بر آن مبذول داشته‌اند تا مهارتهای گوناگون زندگی را به دانش‌آموزان بیاموزند و در قالب کتابهای درسی اطلاعات ارزشمندی را به آنان ارزانی می‌دارند. اما همان‌گونه که می‌دانیم، تنها کتابهای درسی نیستند که بر روی دانش، مهارت و نگرش دانش‌آموزان تأثیر می‌گذرانند. منابع اطلاعاتی دیگری از قبیل کتابهای غیر درسی - مانند کتابهای علمی، داستان و طنز و نظایر آن - همچنین مجله‌ها و روزنامه‌ها همواره اطلاعات متنوعی را در اختیار همگان قرار می‌دهند. این منابع به خودی خود اهمیت فراوانی دارند و در جوامع اطلاعاتی بهره‌گیری از آنان یک ضرورت به شمار می‌آید. توجه به این منابع از سوی دانش‌آموزان، به آنان کمک می‌کند تا علاوه بر دانش تخصصی که در مدرسه می‌آموزند، دانش و بینش خود را در زمینه‌های دیگر از جمله اجتماعی، فرهنگی، هنری، علمی، سیاسی، اقتصادی و نظایر آن گسترش دهند و از این طریق بتوانند همگام با دیگران، در مسیر رشد و توسعه شخصی و اجتماعی گام بردارند.

از سوی دیگر، همان‌گونه که کتابها، مجله‌ها و فرمهای چاپی افراد را در معرض اطلاعات متنوع قرار می‌دهند، رسانه‌هایی چون تلویزیون، رادیو و به تازگی اینترنت به ما کمک می‌کنند تا دانش خود را در زمینه‌های گوناگون افزایش دهیم.

رسانه‌های یاد شده، نقش مهمی در زندگی کودکان و نوجوانان ایفا می‌کنند. از این رو، درک اثر رسانه‌ها بر روی ابعاد گوناگون شخصیت آنان، اهمیت شایان توجهی دارد.

رابطه بین میزان تماشای برنامه‌های تلویزیونی و ... / ۹۱

رسانه‌های ارتباط جمعی به سبب ویژگی‌های خاصی که دارند، می‌توانند پیام مورد نظر فرستنده را در محیطی وسیع پخش کنند و بدین ترتیب تعداد مخاطبان بیشتری برای این رسانه‌ها وجود دارد. از جمله رسانه‌های ارتباط جمعی تلویزیون است که امروزه از پرطرفدارترین رسانه‌های ارتباط جمعی است. این رسانه به سبب قابلیت‌های شنیداری و دیداری می‌تواند پاره‌ای از تجربیات خاص را برای بینندگان به نمایش بگذارد.

### بیان مسئله

با توجه به آنچه تا کنون بیان شد، می‌توان اظهار داشت که استفاده از منابع اطلاعاتی از قبیل کتاب، روزنامه و مجله سبب تقویت دانش و مهارت‌های افراد و نیز گسترش بینش و تلطیف نگرش آنان می‌شود. بهره‌گیری از چنین منابعی، مستلزم مهارت‌هایی از جمله مهارت مطالعه و خواندن است. کمیّت و کیفیت استفاده از منابع اطلاعاتی غیر درسی، تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. به طور مثال، میزان در دسترس بودن این منابع یکی از عوامل تعیین‌کننده کمیّت بهره‌گیری از آنها محسوب می‌شود. اما عوامل دیگری نیز وجود دارند که به طور غیر مستقیم مؤثرند. به طور مثال، با ورود تلویزیون به عنوان یکی از رسانه‌های دیداری و شنیداری که پتانسیل بسیار بالایی در انتقال اطلاعات و نیز آموزش مهارت، دانش و نگرش دارد، در جامعه و گسترش نفوذ آن اثرهای متعددی بر جوانب متعدد زندگی بشر پدید آمده است. از سویی، سرعت انتقال اطلاعات فزاینده شده و از سوی دیگر با به کارگیری حواسی چون شنیدن و دیدن و با خلق صحنه‌های پویا و جذاب، طرفداران بسیاری یافته است. اما جذبه تلویزیون خالی از تأثیر و تأثرات نیست، زیرا ساختارهای گوناگونی را دگرگون ساخته و شیوه زندگی را تغییر داده است. این تأثیر در پاره‌ای موارد به حدی است که برای نمونه در باب تلویزیون و خانواده گفته می‌شود برای این رسانه همانند یکی از اعضا، در جمع خانواده قرار می‌گیرد. تماشای تلویزیون در هر صورت مقداری از زمان افراد بویژه کودکان و نوجوانان را به خود اختصاص می‌دهد و تماشای تلویزیون در بعد کمی و کیفی، همواره مورد توجه محققان بوده است. در این میان درباره مهارت‌هایی از قبیل خواندن و مطالعه نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است.

بنا بر بعضی از پژوهشها، کسانی که از تلویزیون زیاد استفاده می‌کنند، نسبت به افرادی که زمان کمتری را به تماشای تلویزیون می‌گذرانند، وقت کمتری را به فعالیتهای مفید دیگر اختصاص می‌دهند (هیلموایت<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۵۸). جایگزینی این پدیده به جای فعالیتهای دیگر از جمله تفریح، بازی و برقراری رابطه با والدین و افراد دیگر مشاهده شده است (گانتر<sup>۲</sup> و مک‌آلیر، ۱۹۹۷). بعضی از پژوهشگران معتقدند که تماشای تلویزیون باعث می‌شود میزان مطالعه افراد در اوقات فراغت کاهش یابد (کولسترا و وان در ورت، ۱۹۹۶،<sup>۳</sup>).

تماشای تلویزیون سبب می‌شود افراد کمتر به مطالعه، فعالیتهای خارج از خانه و کارهای مربوط به خانه رو بیاورند و همچنین علاقه آنها به سرگرمیهای دیگر کاهش یابد. همچنین، بعضی از پژوهشها نشان داده‌اند که تلویزیون بر پیشرفت خواندن تأثیر منفی دارد، زیرا اوقاتی را که کودکان و نوجوانان باید صرف خواندن و مطالعه کنند، به تماشای تلویزیون اختصاص می‌دهند (بنتیجز<sup>۴</sup> و وان در ورت، ۱۹۸۸).

از سوی دیگر، تماشای بیش از اندازه تلویزیون، در کودکان و نوجوانان و تأثیر آن بر موفقیت تحصیلی آنها باعث نگرانی والدین شده است. به طور متوسط، افراد تا ۱۸ سالگی حدود ۲ سال از زندگی خود را در مقابل تلویزیون سپری می‌کنند، بنابراین مدت زمانی را که آنها به تماشای تلویزیون می‌گذرانند، قابل توجه است (کامستوک<sup>۵</sup>، ۱۹۸۶). در این باره برخی پژوهشها نشان داده‌اند که فعالیتهایی مانند تماشای تلویزیون با موفقیت تحصیلی ارتباطی منفی دارد (هود<sup>۶</sup> و دیگران، ۱۹۹۲).

اما مسئله‌ای که با افزایش کمی و کیفی برنامه‌های تلویزیون پیش می‌آید، آن است که آیا این رسانه سبب نمی‌شود دانش‌آموزان از آنچه باید علاوه بر کتابهای درسی به مطالعه آنها پردازند باز بمانند؟ و آیا تلویزیون برخی از عادات از قبیل مطالعه را در دانش‌آموزان دستخوش تغییر نمی‌کند؟ این مسائل همگی نیازمند تحقیق و پژوهش هستند و به هنگام تدوین طرحهای توسعه ملی توجه به آنها مفید فایده خواهد بود. از این رو در این پژوهش رابطه بین متغیرهایی از قبیل تماشای برنامه‌های تلویزیونی و مطالعه کتابهای غیردرسی، روزنامه و مجله به عنوان منابع اطلاعاتی غیر درسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### هدفهای پژوهش

هدف کلی این پژوهش، بررسی رابطه بین میزان تماشای برنامه‌های تلویزیونی و میزان استفاده از منابع اطلاعاتی غیردرسی است. هدفهای جزئی که در این مطالعه مورد توجه قرار گرفته اند، عبارتند از:

- الف) بررسی رابطه میان میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه کتابهای غیردرسی
- ب) بررسی رابطه میان میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه مجله
- ج) بررسی رابطه میان میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه روزنامه
- د) بررسی فراوانی انواع کتابهای غیر درسی مورد مطالعه دانش‌آموزان

### سؤالهای پژوهش

برای تحقق هدفهای پژوهش، سؤالهایی مطرح شدند:

۱. آیا بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه کتابهای غیردرسی رابطه‌ای وجود دارد؟
۲. آیا بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه مجله، رابطه‌ای وجود دارد؟
۳. آیا بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه روزنامه، رابطه‌ای وجود دارد؟
۴. دانش‌آموزان بیشتر به مطالعه چه نوع کتابهای غیر درسی می‌پردازند؟

### مروری بر پژوهشهای انجام شده

درباره تلویزیون و اثرهای آن بر ابعاد گوناگون زندگی کودکان و نوجوانان، پژوهشهای متعددی صورت گرفته است. نتایج تعدادی از مهمترین پژوهشهای مرتبط، در ادامه ذکر شده است.

#### الف) پژوهشهای داخل کشور

❖ در مطالعه تطبیقی که حقیقی و همکاران (۱۳۷۳) انجام داده‌اند، اثرهای تلویزیون بر کودکان و نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس این پژوهش، داده‌های مهم تحقیقات در سایر کشورها عبارتند از:

• تلویزیون در نحوه گذران اوقات فراغت کودک تغییر ایجاد می‌کند و فعالیتهای خارج از خانه را کاهش می‌دهد.

• تحقیقات یونسکو تا سال ۱۹۶۳ به این نکات اشاره دارد که: تأثیر تلویزیون بر کودکان زمانی به حداکثر خود می‌رسد که: ۱- بر همان ارزشها یا دیدگاهها در برنامه‌های پی در پی تأکید شود. ۲- ارزشها با منافع و نیازهای فوری بچه‌ها مربوط باشد. ۳- دوستان، والدین یا اطرافیان نزدیک هنوز سیستمی از ارزشها را که در نتیجه آن کودک بتواند قضاوت درستی در مورد برنامه‌های تلویزیون به عمل آورد، به او القا نکرده باشند. ۴- همانندسازی بچه با شخصیت‌های تلویزیونی نیز در رابطه میان کودک و برنامه تلویزیون و میزان تأثیر، اهمیت خاصی دارد.

❖ رستمی (۱۳۶۴) رابطه تماشای تلویزیون و میزان موفقیت دانش‌آموزان دوره متوسطه را مورد مطالعه قرار داده است. وی این‌گونه نتیجه می‌گیرد که با تکیه بر این بررسی، مشکل است که گفته شود تماشای تلویزیون برای بچه‌ها از نظر کسب موفقیت در مدرسه مضر است، زیرا بجز استثنایی که در مورد دختران کلاس چهارم دیده می‌شود، در مجموع همبستگی منفی کمتری نسبت به همبستگی مثبت وجود دارد.

❖ شیخ (۱۳۷۴) تحقیقی با عنوان «چگونگی پرداختن به فعالیتهای فراغت بین نوجوانان در جامعه شهری گروه ۱» انجام داده است. هدف این بررسی، شناسایی نحوه گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان جامعه شهری ایران با تأکید بر چگونگی پرداخت آنان به فعالیتهای مختلف اوقات فراغت است. این تحقیق با روش پیمایش، اوقات فراغت را در بین ۲۵۰۰۰ نوجوان یا جوان ۱۱ تا ۲۹ سال را با استفاده از ابزار پرسشنامه و مصاحبه بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که: ۱- هر فرد نوجوان به طور متوسط سه ساعت در شبانه‌روز وقت فراغت دارد. ۲- زمان فراغت نوجوانان و جوانان عموماً از حدود ساعت ۱۶ شروع می‌شود و تا موقع خواب ادامه پیدا می‌کند. ۳- از مجموعه فعالیتهایی که در گذران وقت فراغت جوانان، درجه اول اهمیت را داراست، انجام کارهای هنری بین نوجوانان دختر است. ۴- از فعالیتهایی که در سپری شدن وقت فراغت جوانان در مرتبه دوم

رابطه بین میزان تماشای برنامه‌های تلویزیونی و ... / ۹۵

اهمیت قرار دارند، میزان پرداختن به بازی و ورزش، مطالعه روزنامه و گوش کردن به نوار موسیقی میان جوانان مرد است که نسبت به جوانان زن در حد قابل ملاحظه‌ای بیشتر است. تماشای تلویزیون سهم زمانی عمده‌ای را به خود اختصاص می‌دهد.

#### ب) پژوهش‌های خارج از ایران

❖ مورای و کیپاکس (۱۹۷۸) در پژوهشی که درباره سطح خواندن کودکان ۵ تا ۱۳ ساله در جوامع با تلویزیون و بدون تلویزیون انجام داده اند، دریافته‌اند که کودکانی که در جوامع با چندین شبکه تلویزیونی به سر می‌برند، کمتر کتاب می‌خوانند و در مقایسه با گروه بدون تلویزیون، به طور معناداری کمتر به مطالعه مجله‌های فکاهی می‌پرداختند.

❖ پژوهش بنتیجز و وان در ورت (۱۹۸۸) نشان می‌دهد که تلویزیون بر پیشرفت خواندن تأثیر منفی دارد، زیرا اوقاتی را که کودکان باید صرف خواندن و مطالعه کنند، به تماشای تلویزیون اختصاص می‌دهند.

❖ انگل (۱۹۸۱) میانگین زمان تماشای تلویزیون در هفته توسط دانش‌آموزان را حدود ۲۷ ساعت در هفته گزارش کرده است و این در حالی است که زمان مطالعه ۸ ساعت در هفته است. در مقایسه می‌توان گفت، زمان تماشای تلویزیون توسط دانش‌آموزان مورد مطالعه وی، تقریباً سه برابر مدت زمان اختصاص یافته برای مطالعه است.

❖ لوین و لوین (۱۹۹۶) نشان داده‌اند بیشتر از نیمی دانش‌آموزان مدارس ایالات متحده آمریکا، بیش از سه ساعت در روز تلویزیون تماشا می‌کنند. آنها همچنین دریافته‌اند که میان تماشای تلویزیون و مطالعه رابطه وجود دارد؛ بدین معنی که هر چقدر دانش‌آموزان بیشتر به تماشای برنامه‌های تلویزیونی بپردازند، کمتر به مطالعه مبادرت می‌ورزند.

❖ مورگان و گراس (۱۹۹۵) رابطه بین مقدار تماشای تلویزیون و نمره‌های هوش و درک خواندن بیش از ۶۰۰ کودک ۱۱ الی ۱۴ ساله را بررسی کردند. در این پژوهش، بین مقدار تماشای تلویزیون و عملکرد خواندن رابطه منفی معناداری مشاهده شد.

❖ ویلبر شرام درباره رسانه‌های مورد استفاده در بین کودکان، تعدادی از جوامع آمریکای شمالی در شهرهایی که تلویزیون داشته یا نداشته‌اند پژوهشی انجام داده است. او نتیجه‌گیری می‌کند که مطالعه کتابها، روزنامه‌ها و مجله‌ها با کیفیت بالا تحت تأثیر

تلویزیون قرار نگرفته اما مطالعه کتابهای طنز و مجله‌ها با کیفیت پایین، با ورود تلویزیون کاهش یافته است.

### روش پژوهش

برای انجام این پژوهش، از روش زمینه‌یابی استفاده شد. بدین منظور، پرسشنامه‌ای تهیه و در اختیار نمونه آماری قرار گرفت.

### جامعه آماری، نمونه آماری و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، تمامی دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی شهر کرمان هستند. در مجموع ۱۷۸۶۰ دانش‌آموز جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند که جدول مربوط به آن در ادامه آمده است.

جدول شماره ۱. دانش‌آموزان پسر مدارس راهنمایی شهر کرمان

ناحیه آموزشی	تعداد مدرسه	تعداد دانش‌آموز
۱	۴۰	۸۱۴۵
۲	۵۲	۹۷۱۵
جمع	۹۲	۱۷۸۶۰

بر اساس جدولی که کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) برای تعیین حجم نمونه کافی پیشنهاد کرده‌اند، برای جامعه آماری به حجم ۲۰ هزار عضو، با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵٪ ( $\alpha = 0/05$ )، ۳۷۷ نفر به عنوان حداقل نمونه آماری محسوب می‌شود. بر این اساس از میان ۱۷۸۶۰ دانش‌آموز پسر مدارس راهنمایی شهر کرمان که جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند، تعداد ۶۰۰ دانش‌آموز به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای انتخاب نمونه آماری، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد؛ بدین ترتیب که از میان مدارس پسرانه راهنمایی شهر کرمان، از هر منطقه چهار مدرسه انتخاب شد. در هر مدرسه نیز از هر پایه تحصیلی یک کلاس انتخاب شد. انتخاب پایه‌های تحصیلی در مدارس برای آن بود که دانش‌آموزان هر سه پایه اول، دوم و سوم راهنمایی در نمونه آماری موجود باشد.



### ابزار جمع‌آوری داده‌ها

در این پژوهش از پرسشنامه‌ای محقق ساخته استفاده شد. در این پرسشنامه، سؤالهایی درباره میزان تماشای تلویزیون، مقدار زمان اختصاص داده شده برای مطالعه، نوع کتابهایی که آنان مطالعه می‌کنند و... مطرح شده است.

### روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری

به منظور تأمین روایی ابزار اندازه‌گیری، روش نظر متخصصان مورد استفاده قرار گرفت. بدین منظور، از نظر ۷ تن از متخصصان تعلیم و تربیت استفاده شد. پس از بررسی، سؤالهای نامناسب حذف و سؤالهایی مناسب به مجموعه اضافه شد. برای بررسی پایایی ابزار اندازه‌گیری، از روش آماری آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب به دست آمده ( $\alpha = 0.72$ ) نشان می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری از پایایی نسبتاً بالایی برخوردار است. بنابراین، می‌توان به دقت بودن ابزار اندازه‌گیری تا حد زیادی اطمینان داشت.

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از پرسشنامه، از روشهای توصیفی آماری مانند فراوانی و درصد و همچنین روش استنباطی خی دو یا مجذور کای، استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

به منظور تحلیل داده‌های به دست آمده از پژوهش و دستیابی به پاسخ سؤالهای مورد نظر مطالعه، ابتدا هر سؤال را طرح نموده و سپس آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

**سؤال اول- آیا بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه کتابهای غیر درسی رابطه‌ای وجود دارد؟**

به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه کتابهای غیردرسی از آزمون خی دو استفاده شد.

جدول شماره ۲. جدول توافقی متغیرهای میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه کتابهای غیردرسی

جمع	بیشتر از یک ساعت	کمتر از یک ساعت	اصلاً نمی‌خوانم	میزان مطالعه کتابهای غیردرسی
				میزان تماشای تلویزیون
۳۷	۶	۱۲	۱۹	کمتر از یک ساعت
۱۹۸	۲۱	۷۲	۱۰۵	بین یک تا دو ساعت
۱۵۶	۱۵	۵۲	۸۹	بین دو تا چهار ساعت
۱۰۸	۲۰	۳۵	۵۳	بین چهار تا شش ساعت
۸۶	۱۱	۳۱	۴۴	شش ساعت و بیشتر
۵۸۵	۷۳	۲۰۲	۳۱۰	جمع
سطح معناداری: ۰/۵۸۸			درجه آزادی: ۸	مقدار خی دو: ۶/۵۳۳

برای آن که بتوان از آزمون خی دو به درستی نتیجه‌گیری کرد، لازم بود برخی از ردیفها و ستونها در جدول ادغام شوند تا فراوانیهای موجود در سلولها از حد لازم کمتر نشود. از این رو، دو طبقه «بین یک تا دو ساعت» و «بیشتر از دو ساعت» مربوط به متغیر میزان مطالعه کتابهای غیردرسی با هم ادغام شد و طبقه «بیشتر از یک ساعت» را تشکیل داد. همچنین طبقات «بین شش تا هشت ساعت» و «بیشتر از هشت ساعت» مربوط به متغیر میزان تماشای تلویزیون، در یکدیگر ادغام شد و طبقه «شش ساعت و بیشتر» به وجود آمد. با توجه به جدول شماره ۲، می‌توان گفت مقدار خی دو برابر ۶/۵۳۳ است و این مقدار با درجه آزادی ۸ و در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار نیست، لذا رابطه‌ای میان این دو متغیر مشاهده نمی‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه کتابهای غیردرسی توسط دانش‌آموزان، رابطه‌ای معنادار وجود ندارد.

#### سؤال دوم- آیا بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه مجله، رابطه‌ای وجود

دارد؟

برای پی بردن به وجود یا عدم وجود رابطه میان دو متغیر میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه مجله، از آزمون خی دو استفاده شد.

رابطه بین میزان تماشای برنامه‌های تلویزیونی و ... / ۹۹

جدول شماره ۳. جدول توافقی متغیرهای متغیر میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه مجله

میزان مطالعه مجله	اصلاً نمی‌خوانم	کمتر از یک ساعت	بین یک تا دو ساعت	جمع	میزان تماشای تلویزیون
					کمتر از دو ساعت
	۱۳۳	۸۳	۱۹	۲۳۵	کمتر از دو ساعت
	۸۱	۵۳	۲۲	۱۵۶	بین دو تا چهار ساعت
	۴۵	۳۸	۲۵	۱۰۸	بین چهار تا شش ساعت
	۱۴	۱۵	۸	۳۷	بین شش تا هشت ساعت
	۲۲	۱۶	۱۱	۴۹	هشت ساعت و بیشتر
	۲۹۵	۲۰۵	۸۵	۵۸۵	جمع
مقدار خی‌دو: ۲۱/۰۵۵	درجه آزادی: ۸		سطح معناداری: ۰/۰۰۷		

برای تحلیل داده‌های مربوط به این سؤالها طبقات «کمتر از یک ساعت» و «بین یک تا دو ساعت» مربوط به متغیر میزان تماشای تلویزیون با یکدیگر ادغام شد و طبقه پاسخ «کمتر از دو ساعت» را تشکیل داد.

همچنین طبقات «بین یک تا دو ساعت» و «بیشتر از دو ساعت» با یکدیگر ادغام شده و طبقه‌ای به نام «بیشتر از یک ساعت» به وجود آمد.

همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، مقدار خی‌دو برابر ۲۱/۰۵۵ است. از آنجا که سطح معناداری موجود در جدول (۰/۰۰۷) از ۰/۰۱ کوچکتر است، بنابراین با درجه آزادی ۸ و در سطح اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت که بین دو متغیر میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه مجله، رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

از ترکیب جدول بر می‌آید که این رابطه منفی است؛ بدین معنا که هر چه میزان تماشای تلویزیون توسط دانش‌آموزان افزایش می‌یابد، میزان مطالعه مجله توسط آنان کاهش می‌یابد.

**سؤال سوم- آیا بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه روزنامه رابطه‌ای وجود دارد؟**

برای بررسی رابطه بین متغیر میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه روزنامه نیز آزمون خی دو استفاده شد.

**جدول شماره ۴. جدول توافقی متغیرهای میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه روزنامه**

جمع	بیشتر از پانزده دقیقه	کمتر از پانزده دقیقه	اصلاً نمی‌خوانم	میزان مطالعه روزنامه
				میزان تماشای تلویزیون
۳۷	۷	۱۰	۲۰	کمتر از یک ساعت
۱۹۸	۴۰	۴۴	۱۱۴	بین یک تا دو ساعت
۱۵۶	۳۳	۴۵	۷۸	بین دو تا چهار ساعت
۱۰۸	۳۰	۲۶	۵۲	بین چهار تا شش ساعت
۳۷	۱۰	۱۱	۱۶	بین شش تا هشت ساعت
۴۷	۱۵	۱۴	۱۸	هشت ساعت و بیشتر
۵۸۳	۱۳۵	۱۵۰	۲۹۸	جمع
سطح معناداری: ۰/۴۲۶			درجه آزادی: ۱۰	مقدار خی دو: ۱۰/۱۶۴

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که مقدار خی دو برابر ۱۰/۱۶۴ است. با توجه به سطح معناداری مربوط، از آنجا که مقدار سطح معناداری (۰/۴۲۶) از ۰/۰۱ بزرگتر است، با درجه آزادی ۱۰ و در سطح اطمینان ۹۹٪، می‌توان گفت بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه روزنامه توسط دانش‌آموزان، رابطه‌ای معنادار وجود ندارد.

**سؤال چهارم- دانش‌آموزان بیشتر به مطالعه چه نوع کتابهای غیر درسی می‌پردازند؟**

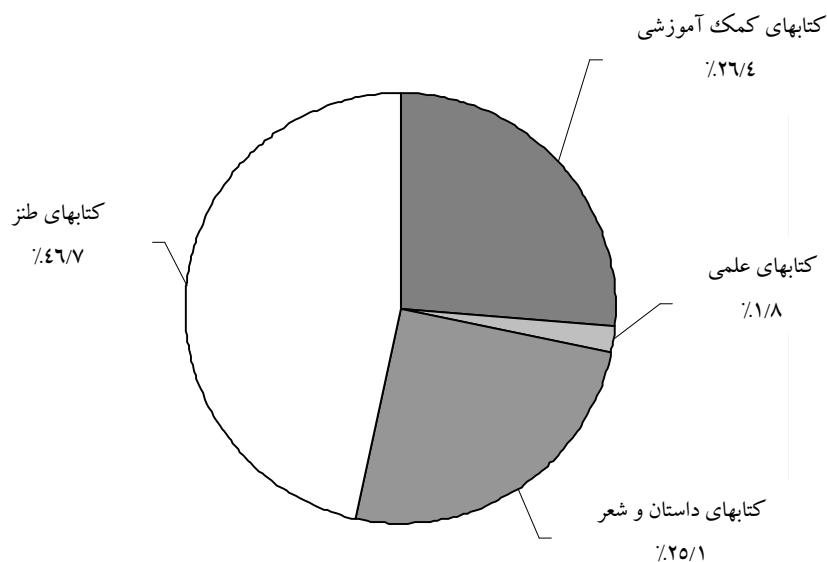
پیش از این، میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه کتابهای غیردرسی مورد بررسی قرار گرفت. برای درک بهتر متغیر میزان مطالعه کتابهای غیردرسی که بعد کمی آن را نشان می‌دهد، بهتر است نوع مطالعه غیردرسی که بیانگر بعد کیفی آن است، بررسی

رابطه بین میزان تماشای برنامه‌های تلویزیونی و ... / ۱۰۱

شود. با تحلیل داده‌های به دست آمده از دانش آموزان، نوع مطالعه غیردرسی آنان مشخص شده است. برای انجام این تحلیل، از روشهای توصیفی استفاده شده است.

جدول شماره ۵. نوع مطالعه غیر درسی دانش آموزان

کتابهای غیردرسی مورد مطالعه	فراوانی	درصد
کتابهای علمی	۴	۱/۸
کتابهای داستان و شعر	۵۷	۲۵/۱
کتابهای طنز	۱۰۶	۴۶/۷
کتابهای کمک آموزشی	۶۰	۲۶/۴



نمودار شماره ۲. توزیع مطالعه غیردرسی دانش آموزان

از جدول شماره ۵ و نمودار شماره ۱ چنین بر می آید که دانش آموزان بیشتر کتابهای غیر درسی طنز را مطالعه می کنند و میزان مطالعه کتابهای غیر درسی علمی از همه کمتر است. میزان مطالعه کتابهای کمک آموزشی و داستان و شعر تا حدودی هم اندازه است. میزان مطالعه این کتابها از کتابهای طنز کمتر و از کتابهای علمی بیشتر است.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد، بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه کتابهای غیر درسی رابطه‌ای معنادار وجود ندارد. در حالی که بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه مجله، رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛ بدین صورت که هر چه میزان تماشای تلویزیون توسط دانش‌آموزان افزایش می‌یابد، میزان مطالعه مجله توسط آنان کاهش می‌یابد. همچنین، بر اساس نتایج به دست آمده از مطالعه حاضر، بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه روزنامه توسط دانش‌آموزان رابطه‌ای معنادار مشاهده نشد. درباره توزیع مطالعه کتابهای غیردرسی، این نتیجه به دست آمد که در بین کتابهای غیردرسی، دانش‌آموزان بیشتر کتابهای طنز را مطالعه می‌کنند و میزان مطالعه کتابهای غیردرسی علمی از کتابهای کمک آموزشی، داستان و شعر نیز کمتر است. در ادامه، هر یک از نتایج عمده به دست آمده از این پژوهش را مورد بحث قرار می‌دهیم.

#### یافته اول) بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه کتابهای غیردرسی رابطه‌ای

##### معنادار وجود ندارد.

بر اساس این یافته، تعداد ساعتهایی که دانش‌آموزان در واحد زمانی معین مانند شبانه روز یا هفته به مطالعه کتابهای غیر درسی می‌پردازند، تحت تأثیر میزان تماشای تلویزیون قرار نمی‌گیرد. این یافته با نتایج حاصل از پژوهشی که مورای و کیپاکس (۱۸۷۸) و لوین و لوین (۱۹۹۶) انجام داده‌اند، همخوانی ندارد. مورای و کیپاکس دریافتند کودکانی که به تلویزیون دسترسی دارند، کمتر به مطالعه کتاب می‌پردازند. همچنین، لوین و لوین نیز میان تماشای تلویزیون و مطالعه کتاب رابطه‌ای یافتند؛ بدین صورت که هر چقدر دانش‌آموزان بیشتر به تماشای برنامه‌های تلویزیونی می‌پردازند، کمتر به مطالعه کتاب مبادرت می‌ورزند. البته باید توجه داشت مورای و کیپاکس و همچنین لوین و لوین مطالعه کتاب به طور کلی را مد نظر قرار داده‌اند، در حالی که در پژوهش حاضر مطالعه کتابهای غیر درسی مورد توجه بوده است.

شاید بتوان نبود همخوانی بین یافته‌های پژوهش حاضر با یافته پژوهشهای دیگری را که ذکر شد، به مطالعه اندک دانش‌آموزان ارتباط داد. از میان دانش‌آموزان، ۸۷/۵ درصد

رابطه بین میزان تماشای برنامه‌های تلویزیونی و ... / ۱۰۳

اظهار داشته اند که یا به مطالعه کتاب نمی‌پردازند و یا کمتر از یک ساعت در شبانه روز کتاب غیر درسی مطالعه می‌کنند. همان طور که مشاهده می‌شود، نسبت زیادی از دانش‌آموزان مدت زمان چندانی را به مطالعه اختصاص نمی‌دهند و از این رو مشاهده تلویزیون نمی‌تواند روی این میزان اندک مطالعه اثر گذار باشد.

**یافته دوم) بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه مجله رابطه‌ای معنادار وجود دارد.**

این یافته نشان می‌دهد که افزایش تماشای تلویزیون سبب می‌شود مطالعه مجله کاهش یابد. این یافته با نتیجه‌ای که از پژوهش مورای و کیپاکس (۱۹۷۸) به دست آمده است همخوانی دارد، زیرا ایشان به این نتیجه رسیده‌اند دانش‌آموزانی که بیشتر به تماشای برنامه‌های تلویزیونی می‌پردازند، در مقایسه با گروهی که کمتر به تماشای تلویزیون مبادرت می‌ورزند، کمتر به مطالعه مجله‌ها می‌پردازند.

البته، ویلبر شرام معتقد است هر چند با ورود تلویزیون به جوامع مطالعه مجله‌ها کاهش یافته است، ولی میزان مطالعه مجله‌هایی که کیفیت بالایی دارند، تحت تأثیر تلویزیون قرار نگرفته است. مطالعه مجله‌های با کیفیت پایین در اثر افزایش تماشای تلویزیون، دستخوش تغییراتی شده و سیر نزولی می‌یابد.

با بهره‌گیری از نتایجی که شرام به دست آورده است، شاید بتوان بیم آن را داشت که مجله‌های تهیه شده در داخل کشور، کیفیت چندان بالایی ندارند و این امر می‌تواند سبب شود که تماشای تلویزیون نسبت به مجله‌ها برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی که در دوران نوجوانی قرار دارند، جاذبه بیشتری ایجاد کند. از این رو، باید به دانش‌آموزان توصیه شود تا به مطالعه مجله‌های مفیدی که برای آنان تهیه می‌شود بپردازند و از سوی دیگر ساز و کارهایی به وجود آید که مشوق آنان به صرف وقت برای مطالعه مجله‌ها باشد. متولیان امر که به تهیه مجله‌های ویژه نوجوانان مبادرت می‌ورزند نیز باید با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی، فنی و هنری در این زمینه، کیفیت محصولات خویش را افزایش دهند.

**یافته سوم) بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه روزنامه توسط دانش‌آموزان رابطه‌ای معنادار وجود ندارد.**

ویلبر شرام از پژوهشی که درباره رسانه‌های مورد استفاده در جوامع آمریکای شمالی انجام داده است، چنین نتیجه‌گیری کرده که میزان مطالعه روزنامه، تحت تأثیر تلویزیون قرار گرفته است. با نگاهی بر پاسخ آزمودنیها مشاهده می‌شود که حدود ۷۹٪ از آزمودنیها یا اصلاً روزنامه مطالعه نمی‌کنند یا مدت زمان مطالعه آنان در شبانه روز کمتر از پانزده دقیقه است. از این رو، شاید نرخ اندک مطالعه کنندگان روزنامه باعث شده بین دو متغیر میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه روزنامه در این جامعه آماری، رابطه‌ای مشاهده نشود.

**یافته چهارم) دانش‌آموزان از بین کتابهای غیردرسی، بیشتر به مطالعه کتابهای طنز می‌پردازند.**

بر اساس داده‌های پژوهش، ۴۶/۷٪ از دانش‌آموزان از میان کتابهای غیر درسی به مطالعه کتابهای طنز می‌پردازند. ۲۶/۴۳٪ از آنان کتابهای کمک آموزشی مطالعه می‌کنند، ۲۵/۱٪ کتابهای داستان و شعر می‌خوانند و میزان مطالعه کتابهای علمی ۱/۸٪ است. این یافته نشان می‌دهد که اکثر دانش‌آموزان کتابهای طنز مطالعه می‌کنند که این امر می‌تواند هدفهای مختلفی از جمله سرگرمی و فرار از مشکلات فکری و تلاش برای ایجاد محیطی تفریحی را در پی داشته باشد. از آنجا که کتابهای طنز فرصتی برای فراغت دانش‌آموزان ایجاد می‌کند و دانش‌آموزان را از پرداختن به کارهایی که مستلزم تفکر است نسبت به کتابهای علمی بی‌نیازتر می‌سازد، لذا طالب و خواهان بیشتری دارد. هر چند کتابهای کمک آموزشی نیازمند تفکر و ممارست ذهنی است، اما دانش‌آموزان به سبب نیازی که به آنها احساس می‌کنند، به مطالعه این قبیل کتابها می‌پردازند. شاید بتوان گفت، دانش‌آموزان احساس نیاز چندانی به مطالعه کتابهای داستان، شعر و بویژه کتابهای علمی نداشته‌اند.

در مورد استفاده قابل توجه از کتابهای کمک آموزشی در قیاس با کتابهای علمی، می‌توان دلایلی را مورد توجه قرار داد. گسترش روزافزون کتابهای کمک آموزشی که



رابطه بین میزان تماشای برنامه‌های تلویزیونی و ... / ۱۰۵

امروزه مؤسسه‌های مختلف در قالبهایی چون کتاب راهنما یا حل المسائل منتشر می‌کنند، می‌تواند این وضعیت را سبب شده باشد. اقبال این نوع کتابها به سبب روندی که مسیر آن به آزمون ورودی دانشگاه یا کنکور ختم می‌شود، پدیده‌ای نوظهور است که تا حدی شیوه آموزش در مدارس را تحت تأثیر خود قرار داده است. این پدیده بسیار قابل تأمل است، زیرا اگر دانش‌آموزان و معلمان و به طور کلی سیستم آموزشی مدارس را به سطحی نگری و آموزش مناسب برای کنکور سوق دهد، می‌تواند پیامدهای نامطلوبی را در پی داشته باشد. اما اگر استفاده از کتابهای کمک آموزشی سبب ایجاد فرصتهای بیشتر یادگیری برای دانش‌آموزان شود، آنان را در مسیر رسیدن به هدفهای خویش یاری خواهد رساند.

این امر که دانش‌آموزان بیش از هر کتاب غیر درسی دیگر به کتابهای طنز می‌پردازند نباید نگرانی چندانی ایجاد کند، زیرا می‌توان از جاذبه و کشش کتابهای طنز استفاده کرد و با پربار کردن آنها و نیز استفاده از این روش در کتابهای علمی و آموزشی دانش‌آموزان را به یادگیری و کسب اطلاعات مورد نیاز برای زندگی ترغیب کرد. به علاوه، اتکای صرف دانش‌آموزان به کتابهای درسی نمی‌تواند یادگیری عمیق علمی را در آنان سبب شود و به نظر می‌رسد معلمان در کنار تدریس کتابهای درسی باید دانش‌آموزان را ترغیب کنند که از دیگر منابع علمی و از جمله کتابهای غیر درسی علمی استفاده کنند. این امر در سایه ارائه تکالیف خاص به آنان و برنامه ریزی برای گسترش دامنه مطالعه دانش‌آموزان، میسر می‌گردد.

### منابع

- اکبرزاده، علی و شکوهی، یکتا (۱۳۸۱) **تلویزیون و ادراک کودکان**. فصلنامه تعلیم و تربیت. شماره ۳، ص ۵۶-۳۳
- حقیقی، ابراهیم و همکاران (۱۳۷۳) **کودک، نوجوان و تلویزیون**. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای.

- دور، امه (۱۳۷۴) **تلویزیون و کودکان: رسانه‌ای خاص برای مخاطبانی خاص**.  
(ترجمه علی رستمی). تهران: سروش
- رستمی، علی (۱۳۶۴) **رابطه تماشای تلویزیون و میزان موفقیت دانش‌آموزان دوره متوسطه**. صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای.
- رشید پور، ابراهیم (۱۳۷۲) **تلویزیون و اطفال**. تهران: سروش
- شرام، ویلبر (۱۳۵۳) **نظری اجمالی بر نتایج تحقیقات در زمینه تأثیر تلویزیون بر کودکان و نوجوانان**. (مترجم بی‌نا). پویه، ش ۳
- شهرآرای، مهرناز (۱۳۷۳) **بررسی تأثیر تلویزیون بر مهارت‌های تحصیلی کودکان و نوجوانان**. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۲
- شیخ، سعادت (۱۳۷۴) **چگونگی پرداختن به فعالیتهای فراغت بین نوجوانان در جامعه شهری گروه ۱**. نهاد ریاست جمهوری، شورای عالی جوانان
- کازنو، ژان (۱۳۷۰) **قدرت تلویزیون**. (ترجمه علی اسدی). تهران: امیرکبیر
- کازنو، ژان (۱۳۷۰) **جامعه‌شناسی رادیو و تلویزیون**. (ترجمه جمشید ارجمند)  
مجله تماشا، شماره ۳
- مهاجری، اصغر (۱۳۷۴) **بررسی اثرات تلویزیون بر روی کودکان و نوجوانان شهرستان ابهر**. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شوراهای پژوهشی ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استانها، استان زنجان.

-Angle, B. D. (۱۹۸۱). The relationship between children's televiewing and the variables of reading attitude, reading achievement, book reading, and IQ in a sample of fifth grade children (Doctoral dissertation, University of Akron, ۱۹۸۱). ProQuest Dissertation abstracts, DAI-A ۴۱/۰۸. (Order No. AAC ۸۱۰۲۷۹۶)

-Bachen, C. M., Hornby, M. C., Roberts, D. F., Hernandez-Ramos, P. F. (۱۹۸۲). Television viewing behavior and the development of reading skills: Survey evidence (Report No. CS-

رابطه بین میزان تماشای برنامه‌های تلویزیونی و ... / ۱۰۷

۰۰۶۵۷۳). New York, N.Y.: Annual Meeting of the American Educational Research Association. (ERIC Document Reproduction Services No. ED۲۱۴۱۵۰)

-Beentjes, B. J. (۱۹۸۸). Television's impact on children's reading skills: A review of research. *Reading Research Quarterly*, ۲۳, ۳۸۹-۴۱۳.

-Henggeler, S. and Cohen, R. (۱۹۹۱). Family stress as a link in the association between television viewing and achievement. *Child Study Journal*, ۲۱ (۱), ۱۱-۲۰.

-Kohr, R. L. (۱۹۷۹). The relationship of homework and television viewing to cognitive and noncognitive student outcomes (Report No. IR-۰۰۷۶۰۸). San Francisco, California: Annual Meeting of the National Council for Measurement in Education. (ERIC Document Reproduction Services No. ED۱۷۵۴۴۱)

-Levine, D.U., and Levine R.F. (۱۹۹۶). *Society and Education* (۹th ed.). Boston, MA: Allyn and Bacon, pp. ۱۲۱-۱۲۴.

-Neuman, S. B. (۱۹۹۵). *Literacy in the television age: The myth of the TV effect* (۲nd ed.). Greenwich, CT: Albex Publishing.

-Razel, M. (۲۰۰۱). The complex model of television viewing and educational achievement. *Journal of Educational Research*, ۹۴ (۶), ۳۷۱-۳۸۰.

-Sharman, K. J. (۱۹۷۹). Children's television behavior: Its antecedents and relationship to school performance (Report No. IR-۰۰۷۸۵۰). Melbourne, Australia: Australian Council for Educational Research - Hawthorn. (ERIC Document Reproduction Services No. ED۱۷۹۱۹۰)

-Shastri, J., and Mohite, P. (۱۹۹۷). Television viewing pattern of primary school children and its relationship to academic performance and cognitive skills. *International Journal of Early Years Education*, ۵ (۲), ۱۵۲-۱۶۰.

-Wober, J. M. (۱۹۹۲). Text in a texture of television: Children's homework experience. *Journal of Educational Television*, ۱۸ (۱), ۲۳-۳۵.

-Wright, J. C., Auston, A. C., Murphy, K. C., St. Peters, M., Pinon, R. S., and Kotler, J. (۲۰۰۱). The relations of early television viewing to school readiness and vocabulary of children from low-income families: The Early window project. *Child Development*, ۷۲ (۵), ۱۳۴۷-۱۳۶۶.